

آیت‌الله بهشتی فرصتی برای پاسخ دادن به شایعات نداشت

۳ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۰

حسین مهدیان از مبارزان دیرین انقلاب و از یاران و معاشران قدیمی شهیدان آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری به شمار می‌رود. او در ادوار مختلف، شاهد واکنش‌های مثبت و منفی شهید بهشتی نسبت به وقایع تاریخی بوده که بیان آن، مدخلی بر شناخت شخصیت آن عالم فرزانه است.

حسین مهدیان از مبارزان دیرین انقلاب و از یاران و معاشران قدیمی شهیدان آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری به شمار می‌رود. او در ادوار مختلف، شاهد واکنش‌های مثبت و منفی شهید بهشتی نسبت به وقایع تاریخی بوده که بیان آن، مدخلی بر شناخت شخصیت آن عالم فرزانه است...

*جناب‌عالی از چه دوره‌ای با نام و آوازه شهید آیت‌الله دکتر بهشتی آشنا شدید؟ در آن مقطع، شخصیت ایشان را چگونه یافتید؟

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين. ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مخالفت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) با آن لایحه، توسط شهید صادق امانی به مبارزات سیاسی کشیده شدم.

در آن دوره جلسات آموزشی بسیاری در منازل افراد انقلابی تشکیل می‌شد و در آن جلسات بود که با شهید آیت‌الله دکتر بهشتی هم آشنا شدم.

شهید بهشتی معتقد بودند بدون همراهی همسران افراد مبارز، نمی‌توان برنامه‌ریزی دقیقی کرد و کار را پیش برد، لذا باید به زنان هم آگاهی سیاسی داد، لذا با مدیریت ایشان، یکی از نزدیکانشان در نزدیکی کرج باغی را خرید و هر جمعه عده‌ای از انقلابیون همراه با زن و فرزند خود به آن باغ می‌رفتند و به این شکل آگاهی سیاسی خانواده‌ها بالا می‌رفت. بعد از انقلاب هم جلسات جامعه روحانیت در همین باغ کمال‌آباد تشکیل می‌شدند.

*در دوران قبل از انقلاب شهید بهشتی و شهید باهنر توانسته بودند در تدوین کتاب‌های دینی درسی نقش مؤثری ایفا کنند. با

توجه به حساسیت رژیم نسبت به روحانیت، به خصوص در این گونه جایگاههای کلیدی، ایشان چگونه توانستند این موقعیت را پیدا کنند؟

شهید بهشتی چندین سال در این باره تلاش کردند و موفق نشدند! تا بالاخره از طریق آقای برقی که با وزیر آموزش و پرورش آشنایی داشت، مسئولین را متقاعد کردند حضور این روحانیون برای رژیم مشکل درست نمی کند و آنها فقط مسائل اخلاقی و دینی را در کتابهای درسی مطرح خواهند کرد.

یک روز من و شهید باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی بودیم که شهید بهشتی آمدند و با خوشحالی گفتند: ما از امروز ده میلیون مخاطب پیدا کرده ایم! منظورشان ده میلیون دانش آموزی بود که آنها می توانستند به وسیله کتابهای دینی به آنان آموزش بدهند.

* چگونه؟

با ترویج باورهای صحیح دینی که البته هوشمندی زیادی را می طلبید، چون کافی بود رژیم به مقصود اصلی شهید بهشتی و همکارانشان پی ببرد تا این فرصت بی نظیر از دست برود.

شهید بهشتی عمیقاً معتقد بودند برای اصلاح جامعه باید به تربیت نسل نوجوان و جوان پرداخته البته دیگران هم در این زمینه فعالیت می کردند، ولی هیچ کدام، به اندازه نفوذ در آموزش و پرورش مفید نبود.

* جنابعالی در جریان تأسیس مدرسه رفاه بودید. نقش شهید بهشتی در این رویداد چه بود؟

مدرسه رفاه توسط ایشان و عده دیگری از مبارزین راه افتاد. هدف این بود که تحت پوشش فعالیت های آموزشی فعالیت های سیاسی انجام شوند. این ایده بسیار مفید و موثر بود و نتایج آن در سال های بعد آشکار شدند.

* هیئت امنای مدرسه چه کسانی بودند؟

شهید باهنر، آقای هاشمی رفسنجانی، شهید رجایی، بنده و چند تن دیگر. خانواده های مذهبی فرزندان شان را به مدرسه رفاه می آوردند تا با مباحث دینی آشنا شوند.

* ظاهراً ساواک به این مدرسه حساسیت خاصی داشت. اینطور نیست؟

همین طور است. ساواک کم کم متوجه شد تحت پوشش فعالیت های این مدرسه، مبارزات سیاسی انجام می شود، به همین دلیل غالباً هیئت امنای مدرسه را دستگیر می کرد و برای بازپرسی می برد! شهید بهشتی در برنامه ریزی مدرسه رفاه نقش کلیدی داشتند و برای والدین بچه ها، جلساتی را می گذاشتند و معتقد بودند باید خانواده ها را همراه کرد، وگرنه کارهایمان بی اثر خواهند بود.

* شهید بهشتی در جلسات توجیهی خود، به چه مباحثی بیشتر توجه می کردند؟ علاقه ایشان بیشتر در چه حوزه ای بود؟

ایشان فوق العاده به فلسفه علاقه داشتند و همیشه می فرمودند: عاشق فلسفه هستم، ولی خدمت به اسلام، مرا از تحقیق و تفحص در زمینه فلسفه باز داشته است! بسیار آزاداندیش و به روز بودند و در روزهایی که حتی عبور یک روحانی از جلوی سینما هم، یک امر عادی نبود، می فرمودند: اگر برای دفاع از اسلام لازم باشد جلوی یک سینما بایستم، با لباس شخصی این کار را می کنم و اجازه نخواهم داد در زمینه دفاع از اسلام، حتی لباس روحانیت مانعم شود!

* کما اینکه در اروپا برای سخنرانی همه جا می رفتند...

همین طور است. این نگاه باعث شده بود در اروپا هر جا از ایشان دعوت می شد می رفتند و حتی در رستوران و کلیسا هم سخنرانی می کردند.

* نظم، دقت و تقید ایشان به شعائر دینی زبانزد خاص و عام است. به خاطرات خود درباره این موضوعات هم اشاره ای بفرمایید؟

ایشان نماز اول وقت را به هیچ وجه به تأخیر نمی انداختند و در این باره بسیار دقیق و مقید بودند. ایشان حتی جلسات بسیار مهم شورای انقلاب را به محض شنیدن اذان تعطیل می کردند.

درباره نظم و دقت ایشان باید اشاره کنم که یک دفتر یادداشت کوچک داشتند که تمام قرار ملاقات های ایشان را با دقت در آن ثبت می کردند. همیشه خودشان سر وقت و دقیق در محل ملاقات حاضر می شدند و اگر کسی بهانه ای برای علت تأخیرش می آورد، ابداً نمی پذیرفتند. همیشه می فرمودند: حساب همه اتفاقات از جمله ترافیک راهم باید بکنید!

* با همسر و فرزندان چگونه رفتار می کردند؟ این سوال را از این بابت می کنم که جنابعالی به ایشان بسیار نزدیک بودید؟

همه کسانی که شهید بهشتی را می شناسند می دانند که روزهای جمعه ایشان، کلاً به خانواده تعلق داشت و به هیچ وجه در این روز کسی را به ملاقات نمی پذیرفتند و یا به مسئله ای غیر از مسائل خانوادگی، رسیدگی نمی کردند. برخورد ایشان با فرزندان و عموماً نسل جوان همراه با محبت و احترام فوق العاده ای بود.

* کدام ویژگی‌های ایشان از نظر شما برجسته‌تر هستند؟

مدیر و مدبر بودنشان. وقتی مشکلی در اداره امور پیش می‌آمد، با دقت، صبر و حوصله زیاد وقت می‌گذاشتند و تا حصول نتیجه از پای نمی‌نشستند.

* شما هم با شهید بهشتی و هم با دکتر شریعتی ارتباط داشتید. در آن دوران نسبت به دکتر شریعتی و آثار او دو رویکرد کاملاً متضاد وجود داشت. برخورد شهید بهشتی چگونه بود؟

در دوران محکومیت دکتر شریعتی، روزنامه کیهان یک سری مقاله از دکتر چاپ و نگاه بسیاری از مبارزان را نسبت به ایشان منفی کرد! پس از آزادی او از زندان، یک روز در منزل ما، از دکتر شریعتی در مورد این مقاله‌ها سؤال کردند.

دکتر به جای پاسخ، ضمن اشاره به داستانی از اباذر، شهادتین گفت! با این کار می‌خواست بگوید در اثر تبلیغات سوء علیه او، چنان بلایی بر سرش آمده است که ابتدا باید مسلمانی‌اش را اثبات کند!

اما درباره نگاه آقای بهشتی به او، به خاطره ای اشاره می‌کنم. بعد از انقلاب همراه ایشان، برای دیدار از خانواده دکتر شریعتی رفتیم. در میانه راه شهید بهشتی فرمودند: نقش دکتر شریعتی در این نهضت بسیار مهم است! ایشان توانست با سخنرانی‌هایش نسل جوان را به سوی مباحث اسلامی و انقلابی جذب کند، انصاف نیست زحمات ایشان نادیده گرفته شوند.

* اعتصاب مطبوعات در پیروزی انقلاب اسلامی نقش برجسته‌ای داشت. نقش شهید بهشتی در این باره چه بود؟

همراهی ارباب جراید با انقلاب تا حد زیادی مرهون روشنگری‌های شهید بهشتی است. روزی که قرار بود اعتصاب مطبوعات شکسته شود، در منزل بنده جلسه‌ای با شرکت ارباب جراید، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتاح و چند تن دیگر از مبارزین تشکیل شد. در آن جلسه شهید بهشتی مبانی نظری انقلاب و نظام اسلامی را برای آنها تشریح کردند. آنها به شدت تحت تاثیر گفته‌های آقای بهشتی قرار گرفتند.

* ماجرای مواجهه ابوالحسن بنی‌صدر با شهید بهشتی هم، یکی از فرازها مهم انقلاب اسلامی است. نظر شهید بهشتی راجع به او چه بود؟

شهید بهشتی از مدت‌ها قبل از انقلاب و از زمانی که در پاریس با او جلساتی را داشتند، ماهیت او را خوب می‌شناختند. وقتی هم که با آن تکبر حکم ریاست جمهوری‌اش را از امام گرفت، ما هم به ماهیت او پی بردیم!

* نگاه و نحوه تعامل شهید بهشتی با مخالفان چه بود؟

در این باره خاطره‌ای را نقل می‌کنم. ایشان می‌فرمودند: در نوفل‌لوشاتو با مهندس بازرگان صحبت کردم. مواضع ایشان با امام فرق می‌کند و معتقد است شاه را باید نگه داریم، اما حرف‌هایش از سر دلسوزی است، ولی آقای سنجابی ظاهراً مواضع امام را قبول کرده است، در حالی که صداقت ندارد!

* امام در مورد شهید بهشتی از تعبیر «مظلوم» استفاده کردند. تحلیل شما از این تعبیر چیست؟

در انقلاب اسلامی هیچ کس به اندازه شهید بهشتی زیر فشار ترور شخصیت نبود. این فشارها به قدری زیاد بود که حتی کسانی که سوابق دوستی طولانی با ایشان داشتند، به ایشان بدبین شده بودند! و این اوج مظلومیت ایشان را نشان می‌دهد. در همه جا شایع کرده بودند ایشان زندگی مجللی دارد و کاخ‌نشین است، در حالی که به هیچ وجه این گونه نبود.

* به نظر شما علت این هجمه سنگین به شخصیت ایشان چه بود؟

دشمن به درستی تشخیص داده بود که پس از امام، هیچ کس به اندازه شهید بهشتی به لحاظ اجرایی قدرت اداره کشور را ندارد، به همین دلیل با تمام امکانات و قوا ایشان را مورد هجمه قرار داد.

قدرت مدیریت درخشان شهید بهشتی در شورای انقلاب و مجلس خبرگان دشمن را به این نتیجه رساند که ایشان را به هر نحو ممکن از صحنه خارج کند و همین کار را هم کرد و حقیقتاً خسارت جبران‌ناپذیری به انقلاب زد.

تهمت‌هایی از قبیل سرمایه‌دار بودن و کاخ‌نشینی را بنی‌صدر و منافقین به ایشان می‌زدند، اما شهید بهشتی در مقابل این سیل بنیان‌کن تهمت‌ها فقط سکوت می‌کردند و می‌فرمودند: «باید به وظایفمان عمل کنیم! اگر بخواهیم وقت خود را صرف پاسخ‌گویی به این مسائل کنیم، انقلاب صدمه می‌خورد، کارهای زیادی روی زمین مانده‌اند که باید انجام شوند. برای واکنش نشان دادن به این حرف‌ها فرصت نیست».

* و پرسش آخر اینکه به نظر شما، چرادر ماههای آغازین پیروزی انقلاب، از گروه‌هایی مثل جبهه ملی و نهضت آزادی برای اداره حکومت استفاده می‌شد؟

امام معتقد بودند همه گروه‌هایی که در انقلاب همکاری کرده‌اند، باید در اداره کشور حضور داشته باشند. البته در مورد نهضت آزادی توصیه‌های شهید بهشتی و شهید مطهری بسیار مؤثر بود. این دو بزرگوار از سال‌ها قبل با سران نهضت آزادی ارتباط داشتند و سردمداران آن را به خوبی می‌شناختند، اما بعداً متأسفانه این جریان راه خود را از امام و انقلاب جدا کرد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۷۹۴/نداشت-شایعات-دادن-پاسخ-فرصتی-بهشتی-اللہ-آیت>